

**Translation and critique and investigation of the entry of Hamza
bin Abdulmutallab in the three editions of the Encyclopedia of
Islam published by Leiden (EI)**

Mohammad Mohammadpuor¹

Received: 2021/04/06 | Accepted: 2021/06/08

(DOI): 10.22034/MTE.2021.6411

Abstract

Original Article

P 101 - 130

Hamza Ibn Abdulmutallab is one of the most central figures in the history of Islam who has had a significant presence and influence in many events of the time of the Prophet (PBUH), especially during the period of the Besat. It seems that recognizing his position and role in the upheavals of the Besat period can be a criterion for understanding the position of the family of the Prophet (PBUH) in fulfilling the mission. The main issue of the research is that how the authors of the Leiden Encyclopedia of Islam, which is the most famous and most complete encyclopedia in the world, have shown a picture of Hazrat Hamza. In this article, by examining the content of Hamza's three editions written by Henry Lamens, Meredith Owens and Najm Haidar, it was shown that none of these three articles are as encyclopedic as they should be and do not conform to conventional scientific methods. Because these articles are written without a precise reference to historical sources and with a one-sided and prejudicial view. The three authors of Hamzah ibn Abd al-Muttalib's article in the three editions of the Encyclopedia of Islam not only did not use appropriate sources and researches of Muslims, especially Shiites, but even they did not correctly reflect the works and researches of the West writers about Hamzah.

Keywords: Hamza Ibn Abdulmutallab, Encyclopedia of Islam, The Story of Hamza, Meredith Owens, Najm Haidar, Henry Lamens, nment, Clergy, Social Forces, Safavid

1 - Assistant Professor of the Islamic Encyclopedia Foundation. m.mahmoudpour@rch.ac.ir

ترجمه و نقد و بررسی مدخل حمزه بن عبدالمطلب در ویرایش‌های سه‌گانه دایره المعارف اسلام چاپ لیدن (EI)

محمد محمودپور^۱

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/MTE.2021.6411

تاریخ دریافت: ۴۰۰/۴/۱۷، تاریخ پذیرش: ۴۰۰/۰۶/۱۸

علمی - پژوهشی

ص: ۱۳۰/۱۰۱

چکیده

حمزه بن عبدالمطلب از محوری‌ترین شخصیت‌های تاریخ اسلام است که در بسیاری از وقایع عصر پیامبر (ص) به ویژه در دوره بعثت حضور چشمگیر و تأثیرگذاری داشته است. به نظر می‌رسد شناخت جایگاه و نقش ایشان در تحولات دوره بعثت، می‌تواند معیاری برای فهم جایگاه خاندان پیامبر (ص) در به ثمر نشستن رسالت باشد. مسئله اصلی پژوهش این است که نویسندگان دایره المعارف/اسلام چاپ لیدن که مشهورترین و کامل‌ترین دایره المعارف موجود در دنیاست، چه تصویری از حضرت حمزه نشان داده است؟ در این مقاله با بررسی محتوای ویرایش‌های سه‌گانه حمزه که به قلم هنری لامنس، مریدیت اُونز و نجم حیدر نوشته شده، نشان داده شد که هیچ‌کدام از این سه مقاله چنان که باید دایره المعارفی نیستند و متناسب با روشهای مرسوم علمی نوشته نشده‌اند. چه این مقالات بدون ارجاع دقیق به منابع تاریخی و با نگاهی مغرضانه و پیشداورانه نوشته شده‌اند. مؤلفان سه‌گانه مقاله حمزه بن عبدالمطلب در ویرایش‌های سه‌گانه دایره المعارف/اسلام نه تنها از منابع مناسب و پژوهش‌های مسلمانان به ویژه شیعیان استفاده نکرده، بلکه حتی آثار و پژوهش‌های غربی‌ها درباره حضرت حمزه را نیز به درستی منعکس نکرده‌اند.

کلیدواژگان: حمزه بن عبدالمطلب، دایره المعارف اسلام، قصه حمزه، مریدیت اُونز، نجم حیدر، هنری لامنس.

۱. استادیار بنیاد دایره المعارف اسلامی. m.mahmoudpour@rch.ac.ir

درآمد

دایره المعارف‌ها جزو مراجع و از پرکاربردترین منابع علمی هستند که بر اساس آخرین پژوهش‌های علمی نوشته می‌شوند. دایره المعارف اسلام^۱ چاپ لیدن که به اختصار «EI» و در زبان فارسی نیز به اختصار «د. اسلام»، معروف شده است، از مهمترین منابع و تنها دایره المعارف کامل در حوزه اسلام‌شناسی در مغرب زمین است. این دایره المعارف اگرچه از نظر موضوعی جزو دایره المعارف‌های تخصصی به شمار می‌رود اما از نظر کاربردی مهمترین مرجع دم‌دستی دانشجویان و محققان غربی و حتی مسلمانان درباره اسلام است. این دایره المعارف از سال ۱۹۱۳ میلادی شروع به کار کرده و تاکنون دو ویرایش کامل از آن منتشر شده است. ویرایش سوم این اثر نیز از سال ۲۰۰۷ میلادی آغاز شده و در حال انجام است. اساساً دایره المعارف‌ها و به ویژه این دایره المعارف از نظر محتوا، روش و منابع بر روی مطالعات اسلامی تأثیر بسیاری داشته است. افزون بر این، «د. اسلام» بر روی جریان دایره المعارف نویسی در جهان اسلام به ویژه در ایران، ترکیه، مصر و پاکستان تأثیرگذار بوده است؛ چرا که اولین تلاش‌های مسلمانان در حوزه دایره المعارف نویسی به سبک جدید، با نگاه به «د. اسلام» صورت پذیرفته است. البته با توجه به اینکه عموم مسلمانان نسبت به تحقیقات غربی درباره اسلام چندان خوشبین نیستند، از این رو، اولین تلاش‌ها در جهان اسلام با ترجمه همراه با اصلاح و تکمیل مداخل «د. اسلام» صورت پذیرفته است.

ایده تدوین «د. اسلام» نخستین بار در نهمین همایش بین‌المللی خاورشناسان در لندن مطرح و مصوب شد. این مجموعه پس از سال‌ها بحث و بررسی در نهایت برای نخستین بار در شهر لیدن هلند در فاصله سال‌های ۱۹۱۳ تا ۱۹۳۶ میلادی هم‌زمان به زبان‌های انگلیسی و فرانسه و کمی بعدتر به زبان آلمانی منتشر شد. این مجموعه که بعدها به نام ویرایش نخست «د. اسلام» (EI)^۲ معروف شد، دارای ۸ مجلد و یک تکمله و حاوی حدود ۵۰۰۰ مدخل اصلی است. ویرایش نخست «د. اسلام» در واقع حاصل گردآوری نظام‌مند اسلام‌شناسی غربی‌ها تا آن زمان بود. با توجه به کاستی‌های ویرایش نخست و رشد مطالعات اسلام‌شناسی در غرب، در سال ۱۹۴۸ میلادی، در بیست و یکمین همایش بین

^۱ *The Encyclopaedia of Islam*

^۲ *First*, *Encyclopaedia of Islam*, Brill, Leiden, 1987.

المللی خاور شنا سان م صوب شد تا ویرایش جدید از «د. اسلام» انجام شود. این ویرایش جدید که بعدها با نام (EI^۱) مشهور شد، در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۲ میلادی در یازده جلد و یک جلد تکمله (در سال ۲۰۰۴ م)، حاوی ۹۵۰۰ مدخل اصلی در لیدن هلند به دو زبان انگلیسی و فرانسه منتشر شد. در این ویرایش تعداد مداخل رشد صد درصدی داشت. با این حال برخی از مداخل ویرایش اول عیناً ترجمه و برخی نیز با اضافاتی به چاپ رسید. در واقع تفاوت دو ویرایش بیشتر کمی بود تا کیفی. البته در این ویرایش برخلاف ویرایش اول، برخی مداخل به قلم نویسندگان مسلمان ایرانی، عرب و ترک نیز نوشته شده است. ویرایش سوم «د. اسلام» (EI^۲)، در سال ۲۰۰۷ میلادی آغاز شد و همچنان ادامه دارد. انتشارات بریل با اذعان به رشد «انفجارگونه» اسلام شناسی و با هدف ارتباط مؤثر با مخاطبان خارج از فضای علمی و دانشگاهی اقدام به ویرایش جدید «د. اسلام» کرده است. از این رو به جای آوا نویسی مفاهیم و اصطلاحات اسلامی، معادل انگلیسی آنها را مدخل قرار داده‌اند. برای نمونه به جای مدخل Irtidad (ارتداد) در ویرایش یک و دو، معادل انگلیسی آن یعنی Apostasy مدخل تعیین شده است. در این ویرایش جدید افزون بر تغییر رویکرد، بیشتر بر جهان اسلام قرن بیستم، به ویژه سرزمین‌های کمتر شناخته شده‌ای چون آسیای جنوب شرقی و صحرای افریقا و مسائل مربوط به حقوق اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیر مسلمان تأکید شده است.^۳

حمزه بن عبدالمطلب از محوری ترین شخصیت‌های تاریخ اسلام است که در بسیاری از وقایع عصر پیامبر (ص) به ویژه در دوره بعثت حضور چشمگیر و تأثیرگذاری داشته است. به نظر می‌رسد شناخت دقیق و همه جانبه از ایشان، علاوه بر نشان دادن جایگاه و نقش ایشان در تحولات دوره بعثت، می‌تواند نمونه‌ای مناسب و معیار برای فهم جایگاه خاندان پیامبر (ص) در به ثمر نشستن رسالت باشد. همچنین شناخت دقیق زندگی و عملکرد حضرت حمزه در برابر همتایان خود در دیگر طوایف و خانواده‌های مکه، می‌تواند نمونه عملی از جایگاه نظام قبیلگی در تحولات تاریخی صدر اسلام به دست دهد.

مقاله حمزه بن عبدالمطلب در ویرایش اول «د. اسلام» به قلم هنری لامنس، در ویرایش

^۱ 1986 Leiden: Brill, 'new ed. 'Encyclopaedia of Islam The.

^۲ 7.1 Leiden: Brill, 20 Encyclopaedia of Islam: Three, The.

^۳ صفری، «دایره المعارف اسلام»، ص ۳۶۱-۳۶۵.

دوم به قلم مردیت اونز در ویرایش سوم به قلم نجم حیدر نوشته شده است. بین ویراست اول تا سوم این مدخل حدود یک قرن فاصله است. در این مقاله ضمن ترجمه و نقد محتوایی و روشی مقالات سه‌گانه درباره حضرت حمزه، نشان داده خواهد شد که تولید این سه مدخل تا چه اندازه بر اساس آخرین یافته‌های مسلمانان و خاورشناسان نوشته شده است.

در نقد این سه مقاله برخی اشتباهات تاریخی مانند حضور حضرت حمزه و خویلد بن اسد پدر خدیجه (س) در ازدواج پیامبر (ص) با خدیجه (س)؛ برخورد خصمانه حضرت حمزه با پیامبر (ص) در آغاز وحی؛ باقی نماندن نسلی از حضرت حمزه؛ درخواست دیدن جبرائیل از سوی حضرت حمزه برای اثبات درستی دعوت پیامبر (ص)؛ شرا بخوارگی حضرت حمزه و مانند اینها مورد بررسی قرار گرفته است. به ویژه در مقاله دوم داستان دلآوری‌های حضرت حمزه که در متون ادبی به صورت حمزه‌نامه مشهور است، به حمزه آذرک از سران خوارج نسبت داده شده است؛ در حالی که اصل داستان برآمده از شخصیت حضرت حمزه و برخی اضافات آن برگرفته از نبردهای حمزه آذرک است.

همچنین در این مقاله، سه مدخل از نظر روشی و رویکردی مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. به نظر می‌رسد رشد مطالعات شیعی به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در مطالعات غربی‌ها تأثیرگذار بوده است چنانکه برخی منابع و مطالعات شیعی، مورد استفاده مؤلف ویرایش سوم مدخل حمزه قرار گرفته است. همچنین برخی جهت‌گیری‌های مقالات اول و دوم که یکسره با دیدگاه اهل سنت همخوانی دارد در ویرایش سوم نسبتاً تعدیل شده است.

پیشینه پژوهش

درباره نقد و بررسی «د. ا. سلام» به ویژه در حوزه مطالعات شیعی کارهای خوبی صورت گرفته است که از مهمترین آنها می‌توان به کتاب *تصویر امامان شیعه در دایره المعارف اسلام* (ترجمه و نقد)، اشاره کرد که زیر نظر تقی زاده داوری (۱۳۸۵ ش) انجام شده است. البته این نقد و بررسی صرفاً بر روی ویرایش دوم «د. ا. سلام» صورت گرفته و به سیر تحول مداخل مربوطه در سه ویرایش نپرداخته است. با این حال درباره سیر تحول مقالات در ویرایشهای سه‌گانه دایره المعارف اسلام بررسی‌های موردی صورت گرفته است. برای نمونه مقاله «نقد و بررسی مدخل ابوطالب در ویرایش‌های سه‌گانه دایره المعارف اسلام چاپ لیدن (EI)» توسط نگارنده برای همایش بین‌المللی حضرت ابوطالب حامی پیامبر (ص)، نوشته شده و

مورد توجه قرار گرفته است. از این رو با توجه به این که درباره هیچ یک از مداخل حمزه بن عبدالمطلب در ویرایشهای سه گانه ترجمه و نقد و بررسی صورت نگرفته است، انجام چنین پژوهشی ضروری به نظر می‌رسد.

معرفی نویسندگان مداخل سه گانه حمزه بن عبدالمطلب

مدخل حمزه در ویرایش نخست «د. اسلام» به قلم هنری لامنس، در ویرایش دوم به قلم مریدیت اُونز و در ویرایش سوم به قلم نجم حیدر نوشته شده است. در ادامه به معرفی آنها خواهیم پرداخت:

هنری لامنس^۱ (۱۸۶۲-۱۹۳۷)

هنری لامنس اول ژوئیه ۱۸۶۲ در شهر کنت در بلژیک به دنیا آمد. در جوانی به بیروت آمد و در دانشگاه مسیحی بیروت به تحصیل پرداخت. در سال ۱۸۷۸ به زندگی رهبانی گرایش پیدا کرد و مرحله اول را در دو سال در دیر یسوعیه‌ها در دهکده غزیر (در جبل لبنان) گذراند. سپس پنج سال را به آموختن خطابه و زبان های گوناگون گذراند. در سال ۱۸۸۶ در دانشکده یسوعی بیروت معلم شد و به انگلیس و وین سفر کرد. در سال ۱۸۹۷ به بیروت بازگشت و در دانشکده یسوعیه‌ها به تدریس تاریخ و جغرافیا پرداخت. هنگامی که «مرکز مطالعات شرقی» وابسته به دانشکده یسوعیه‌ها در سال ۱۹۰۷ تأسیس شد، در آنجا استاد تاریخ اسلامی شد. او مدتی مدیریت مجله المشرق و البشیر را بر عهده داشت.

وی به تبعیت از کایتانی، برای حدیث و سیره اعتبار چندانی قائل نبود. او یا بی‌مهابا و بدون مراجعه به آثار متقدم ارجاع می‌دهد و یا اینکه با توجه به گرایش‌های ضداسلامی به شکل انحرافی و غرض ورزانه از متون برداشت غلط می‌کند. خاورشناس بلژیکی و راهب یسوعی که تعصب بسیار شدیدی علیه اسلام داشت، در پژوهش‌های خود به پژوهشهایی که درباره سیره پیامبر (ص) و تاریخ صدر اسلام انجام داده امانت در نقل قول را رعایت نمی‌کرد و دقت چندانی در فهم متون نداشت.

از مهمترین آثار لامنس در حوزه سیره نبوی و تاریخ صدر اسلام می‌توان به ۱- مهد

^۱ Lammens.

اسلام، ۲^۱- مکه در آغاز هجرت، ۳^۲- شهر عربی طائف در آغاز هجرت، ۴^۳- معابد غرب جزیره العرب پیش از اسلام، ۵^۴- غرب جزیره العرب قبل از هجرت»، بیروت، ۱۹۲۸، که مجموعه‌ای از شش تحقیق درباره یهود و نصاری پیش از هجرت نبوی و نیز درباره دیانت‌های مختلف عرب قبل از اسلام است. او در این پنج کتاب تحقیقات خاورشناسان و باستان‌شناسان و جغرافی دانان را خلاصه کرده و از خود هیچ کار مستقلی ارائه نمی‌دهد. در مقالات «قرآن و سنت؛ چگونگی زندگی محمد (ص)»^۵، (گفتاری که در نشریه مطالعاتی درباره علوم دین، ج ۱، پاریس ۱۹۱۰م ارائه شد، «آیا محمد امین بود؟»^۶ (گفتارهایی درباره علوم دین، ج ۲، پاریس، ۱۹۱۰)، «فاطمه (ع) و دختران پیامبر (ص)، تعلیقاتی محققانه بر تحقیق سیره»^۷، (رم، ۱۹۱۲) و «عصر محمد (ص) و تاریخ سیره» (در «مجله آسیایی»، JA، ۱۹۱۱)، نیز لامنس نیز حملات شدیدی بر سیره پیامبر (ص) وارد کرده است.^۸

اونز مردیت (گلین مونرو)^۹ (۱۹۲۱-۱۹۹۷)

مورخ و محقق آسیایی است که در دهه ۱۹۶۰ با موزه بریتانیا^{۱۰} و ۱۹۴۸ با دانشگاه تورنتو^{۱۱} همکاری داشت.

از آثار وی می‌توان موارد زیر را نام برد:

نسخ خطی فارسی در موزه بریتانیا^{۱۲}، ترجمه ایرج افشار، نسخه‌های خطی، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۴ش، دفتر چهارم

Handlist of Persian Manuscripts: 1895-1966, Trustees of the British Museum, 1968

^۱ Le ceau de L'Islam. L'Arabie occidentale a la veille de L'hegira Le Clisat, Les Be'douius. Rome, 1914..

^۲ La Mecque a` la veille de L'He`gire, 1924.

^۳ La Cite Arabe de Taifa` La Veille, De L'Hegire, 1922.

^۴ Les Sanctuaires pre`islamites dans L'Arabie Occidentale.

^۵ . Qoran et Tradition, Comment Fut Compoe'e Lavie de Mahomet.

^۶ . Mahomet futil sincere?

^۷ . Fatima etles filles de mahpmet, notes critiues pour let'ude de la sira.

^۸ - بدوی، فرهنگ کامل خاورشناسان، ص ۳۵۶-۳۵۹.

^۹ . Meredith-Owens, G. M. (Glyn Munro)

^{۱۰} . British Museum

^{۱۱} . University of Toronto

^{۱۲} . British Museum (London) / Department of Oriental Printed Books and Manuscripts.

Persian Illustrated Manuscripts, Trustees of the British Museum, 1965

Turkish Miniatures, Trustees of the British Museum, 1963

نجم حیدر^۱ (۱۹۷۴-...)

حیدر، اکنون استادیار کالج مطالعات دینی بارنارد^۲ در دانشگاه کلمبیا در نیویورک است. وی درباره تشیع آغازین کوفه، کتابی با عنوان خاستگاه‌های شیعه: هویت، مناسک و مکان‌های مقدس در کوفه قرن دوم/هشتم^۳ را نگاشت. این کتاب، نسخه بازنگری شده ر ساله دکتري وی است که در سال ۲۰۰۷ میلادی با راهنمایی مایکل کوک^۴ و سید حسین مدرسی طباطبائی در دانشگاه پرینستون دفاع شده است.^۵ علایق تحقیقاتی وی تاریخ قرون اولیه اسلامی، روش و توسعه قانون اسلامی، تاریخ‌نگاری و تشیع است. نجم حیدر کتاب دیگری درباره تشیع با نام درآمدی بر اسلام شیعی^۶ نوشته است. با همه نواقص و انتقاداتی که بر این کتاب درآمگونه وارد است، با این حال این اثر نجم حیدر مورد توجه محققان قرار گرفته و در ایران نیز معرفی شده است.^۷ دوره‌های آموزشی وی با تأکید ویژه بر تأثیر استعمار و مدرنیته بر گفتمان سیاسی و مذهبی اسلامی، فاصله‌ای را بین جهان مسلمان کلاسیک و مدرن پر می‌کند. از دیگر آثار نجم حیدر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

Rebellion and Schism in Early Islam: Modeling Rhetorical Historiography (Cambridge

forthcoming)

"The Death of Musa al-Kazim: Knowledge and Suicide in Shi'i Legal Discourse" in

Religious Suicide and Martyrdom, ed. Margo Kitts (Oxford, forthcoming 2018).

^۱ . Najam Haider

^۲ . Barnard College

^۳ New York: Cambridge . *The Origins of the Shī'a: Identity, Ritual, and Sacred Space in Eighth-Century Kūfa*,

University Press, ۲۰۱۱ + xvi Pp. ۲۷۶.

^۴ . Michael Cook

^۵ . عدالت نژاد، «نجم حیدر: خاستگاه‌های شیعه: هویت، مناسک و مکانهای مقدس در کوفه قرن دوم/هشتم»، ص ۱۲۳.

^۶ . *Shī'ī Islam: An Introduction* (Cambridge 2014).

^۷ . فیض بخش، «نجم حیدر: درآمدی بر اسلام شیعی»، ص ۱۱۳-۱۲۶.

- Law and Religion in Classical Islamic Thought*, eds. Michael Cook, Najam Haider, Intisar Rabb, Asma Sayeed (Palgrave: 2013).
- “The Geography of the Isnād: Possibilities for the Reconstruction of Local Ritual Practice in the 2nd/8th Century,” *Der Islam* 90 (2013):306-346.
- “A Kufan Jurist in Yemen: Contextualizing Muhammad b. Sulayman al-Kufī's Kitāb al-Mutakhab,” *Arabica* 59 (2012): 200-17

ترجمه مقالات سه‌گانه حمزه در دایره المعارف اسلام

در این بخش برای رعایت امانت و انصاف علمی، ترجمه مقالات سه‌گانه دایره المعارف اسلام چاپ لیدن، خواهد آمد تا خواننده محترم در بخش نقد و بررسی مقالات بتواند اصل سخن نویسندگان را ملاحظه نماید. اگرچه حجم هر سه مقاله تقریباً کوتاه است، با این حال خوانندگان مطلع و باریک بین متوجه خواهند شد که نقدهای دیگری نیز بر این مقالات وارد بوده که در این مقاله به سبب متعدد مجال طرح آنها نبوده و صرفاً سعی شده تا مهمترین موارد به صورت اجمالی معرفی و نقد و بررسی شوند.

مقاله اول در ویرایش نخست دایره المعارف اسلام لیدن (EI^۱) در جلد سوم، صفحه ۲۵۴ به قلم هنری لامنس^۱ نوشته شده است.^۲

«حمزه پسر عبدالمطلب، عمو و برادر رضاعی پیامبر [ص]. افزون بر گزارش روایات در تجلیل از قهرمان اولین روزهای اسلام، اطلاع‌چندانی از زندگی حمزه در دست نیست. تعصبات جاهلی سبب شد تا در جنگهای فجار شرکت کند؛ البته نویسنده کتاب/الغانی حضور او در جنگهای فجار را ساختگی می‌داند. او نیز بسان دیگر هاشمی‌ها، در آغاز نگرش خصمانه‌ای نسبت به عقاید جدید داشت. با این همه آورده‌اند که او در سال دوم و به روایتی در سال ششم بعثت، پس از اعتراض به تندروی ابوجهل، اسلام را پذیرفت. حمزه با پیامبر [ص] به مدینه مهاجرت کرد. زندگی او در آغاز تیره و تار است. روزی او در اثر مستی،

^۱ H. Lammens.

^۲ P 254.3, V1987 Leiden: Brill, *Encyclopaedia of Islam*, First.

از خود بیخود شد و با شمشیر به شترهای علی [ع] حمله کرد. به جزء این، حمزه برای ما به صورت یک سرباز شجاع معرفی شده است. از این رو او به عنوان «شیر خدا» و «شیر پیامبر خدا[ص]» ملقب شده و در شعر عرب جایگاهی یافته است. با توجه به همین توان رزمی، محمد[ص] او در رأس یک گروه کوچک نظامی برای متوقف کردن کاروان تجاری قریش اعزام کرده بود. شهرت او به عنوان یک سرباز به ویژه به افتخار آفرینی او و علی[ع] در غزوه بدر برمی گردد. حمزه در محاصره طایفه یهودی بنی قینقاع مدینه نیز تأثیرگذار بود. او پس از دلاوری های بسیار در غزوه احد به فرجام خود رسید. در آن جنگ سیاه وحشی نیزه ای به سمت او پرتاب کرد؛ پس از آن وحشی سینه او را شکافت و قلب هنوز تپنده اش را برای هند، مادر معاویه آورد و هند قلب او را به داندان کشید. این داستان وحشیانه و غیرقابل دفاع همواره علیه امویان نقل می شود. گفته می شود حمزه [در هنگام شهادت] حدود ۵۷ تا ۵۹ سال سن داشته است. اما به نظر ما سن او باید ده سال از پیامبر کمتر باشد، در این صورت باید ده سال از سن پیامبر[ص] که مشهور است ۶۰ تا ۶۵ سن داشته، کم شود. در این صورت به نظر می رسد که سن حمزه باید ده سال جوانتر [از قول مشهور ۵۷ تا ۵۹ سال] باشد. از هیچ یک از فرزندان حمزه نسلی باقی نمانده است (همچنین برای اطلاع بیشتر رجوع شود به مقالات بدر و احد).

منابع:

ابن سعد، طبقات، ج ۳، ص ۱، ۱۱-۱۳.

ابن حجر، اصابه، ج ۱، ص ۳۵۳-۳۵۴.

ابن هشام، سیره، ص ۶۹، ۱۲۰، ۱۸۴، ۲۳۲، ۳۲۲، ۳۴۴، ۴۱۹، ۴۳۳، ۴۴۲، ۴۸۵، ۵۱۶، ۵۶۳، ۶۵۷.

ابن قیس الرقیات، دیوان، ج ۳۹، ص ۲۰.

اللاغانی، ج ۴، ص ۲۵؛ ج ۱۴، ص ۱۵، ۲۲.

Lammens, *Fatima et les filles de Mahomet*, p 23, 25, 30, 45, 46, 138.

Sprenger, *das leben des mohammad*, v2, p69, 81, 88/ v3, p100, 120, 172, 180.

Lammens, *lage de Mahomet et la chronologie de la sira*, p209-250.

مقاله دوم در ویرایش دوم دایره المعارف اسلام چاپ لیدن (EI^۲) در جلد سوم صفحات

۱۵۲-۱۵۴ به قلم مریدیت اُونز^۱ نوشته شده است.^۲

«حمزه بن عبدالمطلب، عموی پیامبر [ص]، پسر عبدالمطلب و هاله بنت وهیب بود. او در ماجرای خواستگاری پیامبر [ص] از خدیجه [س]، با خویلد بن اسد، پدر خدیجه [س]، گفتگو کرده بود. حمزه به‌رغم مخالفت با دین اسلام، در ماجرای گرایش به دین جدید، به یکی از شجاع‌ترین قهرمانان اسلام تبدیل شد. او از پیامبر [ص] در برابر توهین ابوجهل دفاع کرد؛ در نبرد علیه قبیله [بنی] قینقاع یهودی نقش آفرینی کرد؛ و با سی نفر از مهاجران به «العیص» در ساحل دریا لشکر کشید. حمزه و نیروهایش در مسیر راه با سپاه ابوجهل روبرو شدند، اما با میانجیگری مجدی بن عمرو جوهانی، دو سپاه با هم درگیر نشدند. حمزه با شجاعت فراوان در بدر (سال ۲/۶۲۴م) جنگید، و به سبب نبردهای تن به تن با بسیاری از مشرکان به شهرت رسید، با این همه سال بعد در غزوه احد در حالی که قهرمانانه می‌جنگید به دست وحشی غلام حبشی به شهادت رسید. وحشی برای به دست آوردن آزادی خود، حمزه را به قتل رسانده بود. پس از بر زمین افتادن حمزه، بدن او به وسیله هند جگرخوار دختر عتبه، به طرز وحشیانه‌ای مثله شد. این کار هند متأثر از سنت آنیمیسیم^۳ (زنده‌انگاری) پیش از تاریخ بود.

منابع:

۱- ابن هشام، ص ۶۹، ۱۲۰، ۱۸۴، ۲۳۲، ۳۲۲، ۳۴۴، ۴۱۹، ۴۳۳، ۴۴۲، ۴۸۵، ۵۱۶، ۵۶۳، ۵۸۴، ۶۰۷.

۲- ابن سعد، ج ۳ و ۱، ص ۱۱-۱۳.

۳- ابن حجر، اصابه، ج ۱، ص ۴-۳۵۳.

۴- ابن قیس الرقیات، دیوان، ج ۳۹، ص ۲۰.

۵- اغانی، ج ۴، ص ۲۵، ج ۱۴، ص ۱۵، ۲۲، ج ۱۹، ص ۸۱-۸۲.

6- Lammens, l'age de Mahomet et la chronologie de la sira, p 209-50.

7- Sprenger, das leben des mohammad, v2, p 69, 81, 88, v3, p108, 120, 172, 180.

^۱. G. M. Meredith Owens.

^۲ Leiden: Brill, 1986, v3, p152-154. 'new ed. 'Encyclopaedia of Islam . The

^۳ . بر اساس این باور، قبایل بدوی پیش از تاریخ معتقد بودند که تمامی عناصر و اجزای بدن انسان و گیاهان و جانوران دارای روح و جان هستند.

8- Lammens, Fatima et les filles de mohamet, p 23, 25, 30, 45, 46, 138.

مانند بسیاری از قهرمانان، حمزه نیز پس از مرگش به افسانه‌ها پیوست و شخصیت اصلی یک افسانه محبوب شد و ماجراهای خارق العاده به او نسبت داده شده است. این افسانه در سیلان، چین، آسیای مرکزی و روم رخ داده بود که حمزه واقعی هرگز از آنجاها دیدن نکرده بود. به نوشته بهار (سبک شناسی، ج ۱، ص ۵-۲۸۴)، منبع این افسانه مشهور کتابی به نام *قصه مغازی حمزه* بود که در *تاریخ سیستان* نامش آمده اما امروزه در دسترس نیست. قصه این کتاب از تحرکات یک رهبر خارجی پارسی به نام حمزه بن عبدالله گرفته شده است که علیه هارون الرشید و جانشینانش شورش کرده بود. به گزارش *تاریخ سیستان*، حمزه به سند، هند و سرانندیب (یعنی هند و سیلان) لشکر کشید. مدتها پس از فروپاشی جنبش خوارج با خیال‌پردازی ایرانیان و با یکی‌انگاری دلآوری‌های حمزه خارجی با عموی پیامبر[ص]، حمزه خارجی به صورت یک قهرمان مسلمان راستین در ادبیات عامیانه مشهور شد.

قبل از مرور افسانه امیر حمزه، لازم است تا کمی درباره جایگاه حمزه بن عبدالله گفتگو کنیم. نام او در زین الاخبار گردیزی به جای صورت عربی *آذرک* یا *آترک*، به صورت حمزه بن *آذرک* آمده است. طبری شرح کوتاهی از زندگی او می‌آورد اما منابع فارسی به تفصیل زندگی او را شرح داده‌اند. حمزه *آذرک* دهقان‌زاده و اهل سیستان بود و نسب او به زاو پسر طهماسب می‌رسد. توهین یکی از کارگزاران خلیفه به نسب وی موجب قیام او شد. به نوشته طبری و ابن اثیر (و به تبع آنها گردیزی) این ماجرا در سال ۱۷۹ق/ ۶-۷۹۵م رخ داده است. با این حال، تاریخ این ماجرا به روایت تاریخ بیهق، یعنی در سال ۱۸۱ق/ ۸-۷۹۷م، توسط خانم پیگولو سکایا پذیرفته شده است. حمزه با در برابر هارون الرشید ایستاد و مانع پرداخت خراج اهالی سیستان شد. برای جلوگیری از قدرت روزافزون او، علی بن عیسی، والی خراسان به درخواست خلیفه شخصا در سال ۱۹۲ق/ ۸-۸۰۷م به سیستان آمد. به رغم تعهد نامه مکتوب علی بن عیسی مبنی بر اصلاح رفتار [کارگزاران خلیفه]، حمزه به مخالفت‌های خود ادامه داد. حمزه پس از مرگ هارون الرشید، به سند و هند لشکر کشید و در سال ۲۱۳ق/ ۹-۸۲۸م درگذشت. با این حال به نوشته گردیزی او در اثنای جنگی در سال ۲۱۰ق/ ۶-۸۲۵م کشته شده است.

در طرفداری از حمزه خارجی، می‌توان گفت که او مطمئناً یک وطن پرست و قهرمان حقوق محلی بود اما ظلم و ستمی که در راه اهدافش بروز داد، خوبی‌های او را پوشانده است.

شهرستانی (۹۶) دیدگاه‌های مذهبی پیروانش را حمزیه، می‌نامد. بر اساس دیدگاه‌های تند حمزیه درباره جبر، حتی کودکان دشمنان آنها و مشرکان نیز در شمار اهل جهنم هستند. شهرستانی حمزه را از اصحاب حصین بن رُقَاد می‌داند که در سجستان قیام کرده بود. خلف خارجی در عقیده جبر و جایگاه صاحبان قدرت با او مخالفت کرد و آنها از هم جدا شدند. حمزه، حضور همزمان دو امام را تا زمانی که بر اساس شرع عمل کنند و مقهور دشمن نشوند مشروع می‌داند (بغدادی، فرق، ۷۶-۸۰).

نشانه‌های بسیاری وجود دارد که افسانه امیر حمزه (که به صورت داستان امیر حمزه، حمزه نامه، قصه امیر حمزه، اسمار حمزه یا رموز حمزه مشهور است) ریشه ایرانی دارد. نقاط عطف این افسانه پیرامون دربار ساسانیان در تیسفون روی داده است و ون رونکل^۱ شباهت‌های جالبی بین وقایع افسانه‌ای حمزه و ماجراهای رستم در شاهنامه یافته است. این قصه در بازخوانی ساده و اولیه دربردارنده نشانه‌های کهنی از قرن پنجم / یازدهم است. لازم به ذکر است که در منابع عربی پیش از قرن هفتم / سیزدهم هیچ ارجاعی و نشانه‌ای از چنین افسانه‌ای وجود ندارد. در آن زمان [قرن هفتم] ابن تیمیه به داستان دلاورهای حمزه که در میان ترکمنهای سوریه وجود داشت اشاره کرده است (منهاج السنه، چاپ بولاق: ۱۳۲۲، ج ۴، ص ۱۲). در روایت فارسی، این قصه ۶۹ تا ۸۲ پرده دارد. حداقل سه نسخه معتبر و متفاوت به صورت چاپ سنگی و نسخه خطی پیدا شده است (ببینید BSOAS، ج ۲۲/۳، ۱۹۵۹)، ص ۴۷۳-۴۷۴). یکی از اینها مبنای تمامی نسخه‌های بعدی در همه زبانها بوده است. این قصه به جلال بلخی منسوب است با این حال در نسخه خطی درسدن^۲، نام شاه نصیرالدین محمد ابوالمعالی به عنوان نویسنده آمده است. یک نسخه منظوم بدون نام مؤلف نیز با عنوان صاحب قرآن نامه، توسط دکتر صفا معرفی شده است (حمزه سرایی در/یران، ص ۳۷۹). این نسخه در ۶۲ بخش و در سال ۱۰۷۳/۱۶۶۳-۱۶۶۲ نوشته شده است.

تفاوت قابل توجهی بین روایت عربی سیره حمزه و قصه فارسی آن وجود دارد. کاملترین روایت عربی در ده پرده تنظیم شده است و بسیاری از نامها و داستان‌های فرعی جدید نیز به آن اضافه شده است. قهرمان اصلی آن مانند ورژن فارسی، عموی شناخته شده پیامبر [ص] نیست، بلکه شخص دیگری البته از بستگان پیامبر [ص] است. نسخه‌های

^۱ Van Ronkel

^۲ Dresden

خطی از روایت عربی در گوتا و پاریس به احمد بن محمد ابوالمعالی الکوفی الپهلوان منسوب است که احتمالاً همان نویسنده سیف بن ذی یزن باشد. مسئله پیچیده تر و مشکل تر برای مشخص کردن نویسنده اثر اینکه، گفته می شود یک نسخه خطی از روایت عربی منسوب به شهاب الدین الدهان در کتابخانه آمبروسیان^۱ در میلان وجود دارد.

قصه حمزه از ایران به هند گسترش یافت و در دربار مغولان هند به محبوبیت زیادی دست یافت. قصه حمزه در این دوره بسیار آراسته شد و موضوع مورد علاقه نقاشی مینیاتور قرار گرفت. ترجمه ای به زبان اردو از این قصه انجام شد که به گفته گارسن دو تاسی^۲، به قلم شخصی به نام اشک است. اینکه پس از آن قصه حمزه در چهارده جلد [به زبان اردو] برای محمود غزنوی تهیه شده باشد، چندان معتبر نیست. قصه حمزه در بیشتر روایت های اردو، به نوزده پرده تقسیم شده است، که هر کدام از آنها عنوان خاص خود را دارند. ترجمه ناقص شیخ سجاد حسین از روایت اردوی قصه حمزه به انگلیسی در سال ۱۸۹۲م در کلکته منتشر شده است. ترجمه هایی نیز به زبانهای بنگالی و تامیلی از قصه حمزه انجام شده است.

به نوشته کوپرولو، قصه حمزه در میان ترکان عثمانی بسیار محبوب شد. اولیا چلبی مینیاتورهایی را معرفی کرده که نبردهای حمزه با قهرمانان و شیاطین معروف را به تصویر کشیده اند. نخستین ورژن عثمانی از این قصه به قلم حمزوی (متوفای سال ۸۱۵/۳-۱۴۱۲م) در بیست و چهار جلد نوشته شده است. این کتاب به نثر است و در لابلای آن ابیاتی نیز آمده است. نسخه های خطی از روایت ترکی در وین (فلوگل، ج ۲، ص ۲۹-۳۰)، پاریس (بلاکت، ۳۵۲ AF، ۳۶۲ S، ۶۴۷، ۶۵۴، ۶۵۶) و میلان (آمبروسیان، شماره ۲۲۶، ۳۳۰) وجود دارند. در قرن دهم/ شانزدهم، آخورمیری زاده هاشمی، مجموعه شعر برقی پولاد دل را در مورد سوء استفاده های پسر حمزه، به زبان عامیانه داستانی سروده است. این مجموعه توسط عاشق چلبی معرفی شده است.

داستان افسانه گرجی امیران دارجانیانی یکی از اقتباس ها و تقلیدهای ادبی از قصه حمزه فارسی است. این داستان به موسی (موسی) خانی^۳ منسوب است که در قرن ۱۲ زندگی می کرد. با این حال، ترجمه کامل گرجی از قصه حمزه در قرن نوزدهم انجام شده است (کتابخانه

^۱ Ambrosiana

^۲ De Tassy

^۳ Mose Khoneli

بودلیان، خانم واردروپ، حدود ۳). روایت‌های دیگر به زبان‌های مالایی (حکایت امیر حمزه) و جاوه‌ای^۱ (Menak) نیز ساخته شده است که به زبانهای بالی و سوندانی نیز ترجمه شده‌اند.»

منابع:

۱. درباره حمزه بن عبدالله ببینید:
یعقوبی، ج ۲، ص ۵۵۴
یعقوبی، بلدان، ۵-۳۰۴
مسعودی، مروج، ج ۸، ص ۴۲
تاریخ سیستان (ویرایش بهار)، مقدمه، ص ۳۲، ۷۹-۱۵۶
زین الاخبار (ویرایش نفیسی)، ص ۸-۱۰۳
تاریخ بیهق (ویرایش بهمنیار)، ص ۴۴، ۲۶۷
اشپولر، ایران، ص ۵۳، ۵۵، ۱۶۹
Veccia vaglieri, le vicende del harigismo in epoca abbaside, v 24, p 41
Caroe, the pathans, p 103-7
Pigulevskaya and others, Istoriya Irana s drevneyshikh uremen do kontsa 18 veka, p 110-1.
Skladenek, Powstanie Charydzyczne hamzy al-harigi w Sistanie, v1/ p33.
۲. درباره حمزه افسانه‌ای ببینید:
صفا، تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، ص ۵-۳۴
حمدالله مستوفی، تاریخ، ص ۲۱۱
بأبرنامه، ص ۱۷۶
Gluck, Die indischen Miniaturen des Haemzae-Romanes im Oesterreichischen Museum fur Kunst und
Industrie in Wien und in anderen Sammlungen
van Ronkel, De Roman van Amir Hamza
Fleischer, Kleinere Schriften, v3, p 228

Virolleaud, Le roman iranien de lemir Hamza, in Comptes rendus de l'Academie des Inscriptions et

Belles lettres

idem, Le roman de lemir Hamza, oncle de Mahomet, v3, p 3-10

Hammer-Purgstall, GOD, v1, p 71-2

D. M. Lang and G. M. Meredith-Owens, Amiran-Darejaniani: A Georgian romance and its English

rendering, v 22, p454-90

این شامل اطلاعات کتابشناختی بیشتری در مورد نسخه های خطی و چاپهای سنگی است. ترجمه انگلیسی از نسخه گرجی توسط استیونس با عنوان امیران دارجانیانی وجود دارد: داستان قصه های قرون وسطایی گرجی که به طور مرسوم به موزه خانلی، آگسفورد ۱۹۵۸ نسبت داده می شود

Tassy, Histoire de la litterature hindouie et hindoustanie, v1, p 236 Garcin de

Borst, Twee Soendasche Amir Hamzah-Verhalen, p 137-57.

مقاله سوم در ویرایش سوم دایره المعارف اسلام چاپ لیدن (EI^۳) به قلم نجم حیدر^۱ نوشته شده است.^۲

«حمزه بن عبدالمطلب بن هاشم (متوفای سال ۶۲۵/۳م)، پسر عبدالمطلب و هاله بنت وهیب بن عبد مناف، عمو و برادر رضاعی حضرت محمد[ص] بود. وی سه سال از پیامبر[ص] بزرگتر بود و به نام ابویعلی و ابوعمار مشهور بود. او سه پسر و یک دختر داشت، فرزندان پیش از او فوت کردند و نسلی از آنها باقی نمانده است. حمزه در جنگاوری سرسخت و ماهر بود. مسلمان شدن حمزه در ماجرای آزار محمد[ص] به وسیله ابوجهل بن هشام (متوفای سال ۶۲۴/۲م) در نزدیکی کعبه اتفاق افتاد. حمزه برای دفاع از پیامبر[ص] با مهاجمان درگیر شد. در آن ماجرا حمزه اعلام کرد دعوت پیامبر[ص] را پذیرفته است. اسلام آوردن حمزه جلوی تعرضهای بعدی به پیامبر[ص] را گرفت و سبب بالا بردن جایگاه اسلام در مکه شد. روزی حمزه از محمد[ص] خواست تا جبرئیل را به او نشان دهد. پیامبر[ص] ابتدا به او هشدار

^۱. Nagam I. Haider.

^۲ . The Encyclopaedia of Islam, THREE, Edited by: Kate Fleet, Gudrun Krämer, Denis Matringe, John

Nawas, Everett Rowson, Consulted online on March 2016.

داد تا زمانی که نور جبرئیل بر کعبه نتابد و پاهای او مانند گوه‌های سبز ظاهر نشود، قادر به دیدن فرشته نخواهد بود. شدت نور [ناشی از حضور جبرئیل] موجب بیهوشی حمزه شد.

حمزه در شمار مهاجران به یثرب (مدینه کنونی) بود و سهم بسزایی در تاریخ صدر اسلام داشت. در زمان برقراری پیمان برادری بین مهاجران و انصار، حمزه با زید بن حارثه (متوفای قرن ۸/۶۲۹م) برادر شد. بعد از آنکه حمزه در جنگ شهید شد زید یکی از وارثان حمزه شد (نک. ادامه مقاله). به گزارش بسیاری از منابع، محمد[ص]، حمزه را به عنوان اولین پرچمدار خود تعیین کرد و او را در رأس یک گروه کوچک سواره [به مأموریت نظامی] فرستاد. آنها با گروه بزرگی از نیروهای مکی روبرو شدند، با این همه به سبب میانجیگری شخصی بی طرف، جنگی بین آنها در نگرفت. به نظر می‌رسد حداقل یک بار دیگر چنین مأموریتی به حمزه سپرده شده بود.

شهرت حمزه به سبب نقش او در نبرد بدر (سال ۲/۶۲۴م) است. قبل از شروع جنگ، او از سوی محمد[ص] به عنوان اولین عضو از سه عضو بنی عبدالمطلب (نفر بعدی علی بن ابی طالب متوفای سال ۴۰/۶۶۱م و عبیده بن حارث متوفای سال ۲/۶۲۴م) برای نبرد تن به تن با افراد بنوعید شمس انتخاب شد. حمزه پس از چند حمله، حریف خود (عتبه بن ربیع) را کشت. به گزارش منابع، این درگیری‌های تن به تن سبب نزول آیات ۱۴، ۱۹ و ۵۵ سوره حج، آیه ۱۶ سوره دخان و آیه ۴۵ سوره قمر شد. حمزه به سبب پوشیدن لباسی از پره‌های شتر مرغ از دیگران متمایز شده بود و فریاد می‌زد: «من شیر خدا و شیر پیامبر خدا هستم».

حمزه برجسته ترین شهید جنگ احد در سال ۳/۶۲۵م بود. بر اساس بیشتر گزارشها او شجاعانه جنگید و بسیاری از مخالفان را کشت تا اینکه برده حبشی به نام وحشی، در ازای گرفتن آزادیش از سوی هند بنت عتبه (متوفای بعد از سال ۱۲/۶۳۴م)، حمزه را به قتل رساند.

پس از شکست مسلمانان، هند و سایر زنان سپاه پیروزمند مکه، اجساد دشمنان خود را مثله کردند. مشهور است که هند به انتقام مرگ پدرش (عتبه بن ربیع) در بدر، جگر حمزه را به داندن گرفت. او نتوانست جگر حمزه را بخورد و مجبور شد آن را تف کند. به گزارش برخی منابع، پیامبر[ص] فرمود[ص] که هند به خواست خدا نتوانست تا اعضای بدن حمزه را بخورد و جایگاه هند در جهنم است. گزارش منابع مبنی بر غم و اندوه بسیار پیامبر[ص] بر قتل حمزه نشان می‌دهد که قتل او ضربه بزرگی بر محمد[ص] وارد کرده بود. آورده‌اند که پیامبر[ص] به همراه هریک از شهدای شصت و پنج تا هفتاد نفری مسلمانان بر حمزه نیز نماز میت به جا آورد. گفته

شده است که حمزه هنگام مرگ روزه بود و پیامبر[ص] خبر داد که فرشتگان بدن او را غسل کردند. خواهر حمزه نیمی از پارچه کفنی را که برای حمزه آماده کرده بود برای تکفین شهدای انصار بخشید. از این رو پارچه کمی برای تکفین حمزه باقی ماند و بخشی از پاهای حمزه با گیاهی معطر پوشانده شد. او را به همراه عبدالله بن جحش (متوفای سال ۶۲۵/۳ م) در یک قبر به خاک سپردند. پیامبر[ص] چنان از مثله شدن بدن حمزه عصبانی شد که برای آن قصاص در نظر گرفت اما با نزول آیه سوره نحل ۱۲۶ به دستور خداوند از این کار منع شد. پیامبر[ص] برای از دست دادن حمزه بسیار اندوهگین شد. در روایات آمده است که حمزه فرزندی نداشت تا برای او سوگواری کند و این امر موجب تأسف پیامبر[ص] شده بود. به گزارش منابع در ابتدا سوگواری زنان انصار به خواست سعد معاذ (متوفای سال ۶۲۶/۵ م) برای حمزه موجب تسلی پیامبر[ص] شد؛ اما سپس این نمایش فریبکارانه موجب ناراحتی محمد[ص] شد و آنها دستور داد تا از این کار دست بردارند. به نوشته منابع، قبر حمزه در سالهای بعد توسط فاطمه[س] بنت محمد[ص] (متوفای سال ۱۰-۳۳۲/۱۱ م) حفظ شد. شهرت حمزه در تاریخ صدر اسلام صرفاً در منابع اولیه باقی مانده است و بعدتر جایگاه او تحت الشعاع شخصیت افرادی قرار گرفت که در دوره فتوحات و مبارزات جانشینی اواسط قرن اول / هفتم، نقش آفرین بودند. کاهش جایگاه حمزه [در منابع] به سبب این بود که او فرزندی نداشت، که در آن درگیریها و منازعات حضور داشته باشند [تا به این وسیله نام و یاد حضرت حمزه را پاس دارند].»

منابع:

- ۱- بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹۳.
- ۲- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۸۳-۴، ۶۳-۱۵۹.
- ۳- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳-۵، ۱۲، ۱۷، ج ۳، ص ۱۳-۵.
- ۴- سبط بن جوزی، مرآة الزمان، ج ۳، ص ۷۱-۴.
- ۵- طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۱، ص ۵۴۹، ج ۲، ص ۱۱-۱۲، ۲۲، ۶۶، ۷۰.
- ۶- محمد تقی توستری (شوشتری)، قاموس الرجال، ج ۴، ص ۳۶-۴۰.

تحقیقات:

G. M. Meredith Owens, *Ḥamza b. ʿAbd al-Muṭṭalib*, *EL*2.
 Frederik Leemhuis, *Ḥamza b. ʿAbd al-Muṭṭalib*, *EQ*
 Khayr al-Dīn al-Zirikī, *al-ʿĪm* (Beirut 2007), 2:278.

نقد و بررسی مقالات سه‌گانه حمزه بن عبدالمطلب

نقد و بررسی منابع

پیش از شروع نقد منابع، لازم است به این نکته توجه شود که مقاله دوم به قلم مریدیت اُونز، دو بخش دارد. بخش اول مقاله با منابع مجزا به حمزه بن عبدالمطلب و بخش دوم با منابع جداگانه به «قصه حمزه» پرداخته است. از این رو در این بخش صرفاً منابع بخش اول که به موضوع این مقاله مربوط می‌شود، بررسی خواهد شد.

دو مقاله اول که اولی به قلم هنری لامنس و دیگری به قلم مریدیت اُونز نوشته شده از نظر منابع و ارجاعات کاملاً شبیه به یکدیگرند به جزء اینکه مقاله دوم سه ارجاع بیشتر از مقاله اولی دارد و در یک مورد در ارجاع به کتاب اشپرنگر، یکی اولی به صفحه ۱۰۰ و دومی به صفحه ۱۰۸ ارجاع داده که به نظر می‌رسد این اختلاف نیز از روی تصحیف باشد.

با این همه هر دو مقاله اول از پنج منبع متقدم یعنی طبقات ابن سعد،^۱ الاصابه ابن حجر، سیره ابن هشام، دیوان ابن قیس الرقیات و الاغانی ابوالفرج اصفهانی و دو تحقیق از لامنس و یک تحقیق از اشپرنگر و در مجموع از هشت کتاب استفاده کرده‌اند. شباهت منابع این دو مقاله که در ویرایش اول و دوم دایره المعارف اسلام مورد استفاده قرار گرفته به خوبی نمایانگر شباهت این دو مقاله در روش و رویکرد است که در مبحث بعدی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اما مقاله سوم که به قلم یک مسلمان و شیعه پژوه یعنی نجم حیدر به نگارش درآمده به جز استفاده از طبقات ابن سعد شباهت دیگری به دو مقاله اول ندارد. نجم حیدر در این مقاله تقریباً با مبنا قرار دادن مقاله دوم به قلم مریدیت اُونز، از شش منبع متقدم یعنی انسب الاشراف بلاذری، الکامل فی التاریخ ابن اثیر، الطبقات الکبری ابن سعد، مرآه الزمان سبط بن جوزی، تاریخ الرسل والملوک طبری، قاموس الرجال محمد تقی شوشتری و دو مورد از مقالاتی که در باره حمزه بن عبدالمطلب یکی در دایره المعارف قرآن به قلم فردر یک لیمهویس^۱ و دیگری در الاعلام و به قلم خیرالدین زرکلی نوشته شده بهره برده و در مجموع از نه اثر در نگارش مقاله خود بهره برده است که افزون بر بهره بردن از آثار شیعیان، تفاوت‌های عمده او در انتخاب منابع نیز تفاوت‌های روشی و رویکردی او را از دو مقاله اول

^۱ Frederik Leemhuis .

به خوبی نشان می‌دهد.

نکته قابل توجه در هر سه مقاله این است که هیچ کدام از نویسندگان به روش پژوهش مرسوم و مألوف در غرب وفادار نبوده و به هیچ وجه در مقاله خود ارجاع دقیق به جلد و صفحه و حتی نام آثار نداده اند. فقط در یک مورد هنری لامنس نویسنده ویرایش اول مدخل حمزه بن عبدالمطلب اشاره کرده که/الغانی چنین نوشته است. حتی در این مورد نیز نویسنده جلد و صفحه مورد نظر را ذکر نکرده است. در تمامی موارد هر نویسنده در پایان مقاله خود اسم اثر و نویسنده و جلد و صفحه را آورده اند. با این حال روشن نیست که مؤلفان از چه چایی استفاده کرده اند و اینکه دقیقاً کدام بخش از مقاله را با استفاده از این منابع مستند کرده اند. البته مریدیت اُونز نویسنده مقاله حمزه بن عبدالمطلب در ویرایش دوم دایره المعارف اسلام، در بخش دوم مقاله خود به «قصه حمزه» - که ارتباط چندانی نیز به شخصیت حمزه بن عبدالمطلب ندارد- پاره‌ای از نوشته های خود را با ذکر منبع و شماره صفحه مستند کرده است.

عدم ارجاع دقیق و غیر مستند بودن مقالات، یکی از ویژگی های دایره المعارف اسلام به ویژه در ویرایش اول و دوم است. با این همه بیشتر مقالات ویرایش سوم با توجه به روش پژوهش جدید و مستند نوشته شده اند. همانگونه که مریدیت اُونز در بخش دوم مقاله خود چنین نوشته است اما معلوم نیست که از چه روی در بخش اول از این روش غفلت کرده و مقاله خود را غیر مستند نوشته است.

نقد و بررسی محتوایی مداخل سه‌گانه

همان گونه که در صفحات پیشین در معرفی ویرایش نخست دایره المعارف اسلام نوشته شد، تمامی مداخل ویرایش نخست به قلم غربی‌ها نوشته شده است. این مجموعه بدون شک بازتاب دهنده مطالعات غربی‌ها در حوزه اسلام است. دست اندرکاران دایره المعارف اسلام در ویرایش‌های بعدی، تلاش کردند تا با بهره‌گیری از پژوهشگران سایر ملل تا حدی بر جامعیت مقالات بیفزایند. از این رو مدخل حمزه بن عبدالمطلب در ویرایش اول و دوم به قلم غربی‌ها و در ویرایش سوم به قلم یک مسلمان نوشته شده است. با این همه این مقالات به ویژه از نظر محتوا دارای ایرادات زیادی است که در ادامه به بررسی آنها پرداخته خواهد شد.

الف) اسلام آوردن حضرت حمزه

منابع متقدم درباره ماجرای اسلام آوردن حضرت حمزه اتفاق نظر دارند و همگی آنها اسلام آوردن ایشان را در اعتراض به آزار و اذیت مشرکان به ویژه ابوجهل دانسته‌اند. با این همه برخی اسلام آوردن او را در سال دوم و برخی در سال ششم ذکر کرده‌اند.^۱ بدون تردید یکی از اهداف پژوهش علمی، بررسی انتقادی گزارش‌های تاریخی به ویژه تاریخ‌گذاری وقایع تاریخی است. در مورد سال اسلام آوردن حضرت حمزه با اندک تأملی در سیر دعوت پیامبر (ص) در مکه به آسانی معلوم خواهد شد که به دو دلیل اسلام آوردن ایشان در سال دوم اعتبار چندانی ندارد. اول اینکه به گزارش منابع متقدم^۲ حضرت حمزه در ماجرای دعوت خویشاوندان در سال سوم بعثت که به «یوم الانذار» شهرت دارد، حضور داشت و حتی به توهین‌های ابولهب و دیگر مشرکان واکنش نشان داده است. از سوی دیگر با توجه به گزارش مشهور منابع در اینکه در آن روز تنها امام علی (ع) دعوت پیامبر (ص) را پذیرفتند، کاملاً روشن می‌شود که حضرت حمزه در آن ماجرا مسلمان نشده‌اند و بالطبع اسلام آوردن ایشان پیش از آن واقعه و در سال دوم معتبر نیست.^۳ دوم اینکه بیشتر منابع تاریخی شکنجه‌های سخت و صریح مشرکان بر پیامبر (ص) و یارانشان را ذیل حوادث سال پنجم بعثت به بعد گزارش کرده‌اند که در نهایت این شکنجه‌ها به هجرت شماری از تازه مسلمانان به حبشه منجر شد.^۴

با توجه به این دو دلیل روشن است که اسلام آوردن حضرت حمزه بایستی در سال ششم روی داده باشد. با این همه هنری لامنس در مقاله اول بدون توجه به اسناد و شواهد تاریخی، اسلام آوردن ایشان در سال دوم را مبنا قرار داده و در ادامه به صورت ضمنی و قول ضعیف نوشته است که به روایتی حضرت حمزه در سال ششم اسلام آورده‌اند. مریدیت اُونز در مقاله دوم و نجم حیدر در مقاله سوم هیچ اشاره‌ای به تاریخ این واقع نمی‌کنند. با این همه هر سه نویسنده با توجه به گزارش‌های مشهور تاریخی، اسلام آوردن حضرت حمزه را به ماجرای اذیت و آزار ابوجهل مربوط دانسته‌اند.

۱. ابن سعد، طبقات، ج ۳، ص ۹؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۴، ص ۳۸۳؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۱، ص ۳۶۹.

۲. ابن اسحاق، کتاب السیر و المغازی، ص ۱۴۵-۱۴۶؛ طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۳۱۹-۳۲۰؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۷۰.

۳. نک. زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام، ص ۲۳۹، ۶۰۶، ۸۲۳.

۴. آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، ص ۱۲۱.

ب) نقش حضرت حمزه در صدر اسلام

حضرت حمزه از شجاع‌ترین مردان عرب و از قهرمانان بزرگ اسلام در دوره پیامبر (ص) است که به گواهی منابع تاریخی، برخی از پیروزی‌های تأثیرگذار در دوره بعثت و به ویژه در نبردهای اولیه در مدینه، بدون حضور قهرمانانه او میسر نمی‌شد. نقش ایشان در دفاع از پیامبر (ص) در برابر سران مشرکان قریش در مکه، رشادت‌های او در دو نبرد سرنوشت ساز احد و بدر و به ویژه اعزام او به نخستین سریه نظامی در مدینه، همگی نشان از جایگاه و نقش حضرت حمزه در صدر اسلام دارد. این نقش به حدی بود که امیه بن خلف از سران مشرکان قریش، حضرت حمزه را عامل اصلی شکست مشرکان در غزوه بدر دانسته است.^۱ مقالات سه‌گانه دایره المعارف اسلام به ویژه دو مقاله اول تماماً خالی از این محتواست. این مقالات به گونه ای نوشته شده است که نه تنها به نقش او اشاره نمی‌شود بلکه حتی به یادکرد و حضور معنوی او در میان مسلمان نیز توجهی نشده است. حضرت حمزه به ویژه در میان شیعیان نمود معنوی بارزی دارد و زیارت نامه ها و فضایل بسیاری درباره ایشان نقل شده است.^۲ با این همه، مریدیت اُونز در ویرایش دوم مقاله، به جای ذکر جایگاه و نقش حضرت حمزه در تاریخ اسلام به بررسی داستان حماسی - تخیلی حمزه می‌پردازد.

ج) سن حضرت حمزه

اگرچه سال تولد حضرت حمزه به درستی مشخص نیست با این حال اختلاف چندانی درباره سن ایشان وجود ندارد. بنا به گزارش منابع^۳، حمزه بن عبدالمطلب ۲ تا ۴ سال از پیامبر (ص) بزرگتر است. با توجه به اینکه ایشان در غزوه احد در سال سوم هجری به شهادت رسیده‌اند و پیامبر (ص) در غزوه احد حدود ۵۵ سال داشته‌اند؛ از این رو به نظر می‌رسد که بنا بر قول مشهور حضرت حمزه به هنگام شهادت ۵۷ - ۵۹ سال داشته است. این درحالی است که هنری لامنس بدون ذکر سند یا استدلال خاصی سن ایشان را ده سال

^۱. آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، ص ۲۶۸.

^۲. زندی، «حمزه»، ج ۲۱، ص ۳۶۹؛ حائری، «حمزه بن عبدالمطلب»، ج ۶، ص ۵۲۰-۵۲۱؛ مجتهدی، «حمزه بن عبدالمطلب»، ج ۱۴، ص ۱۵۹-۱۶۱.

^۳. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۹۶؛ ابن سعد، طبقات، ج ۱، ص ۱۰۸؛ واقفی، کتاب المغازی، ج ۱، ص ۷۰؛ ابن عبدالبکر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۱، ص ۳۶۹-۳۷۰.

جوانتر از این در نظر گرفته است. اُونز در مقاله دوم هیچ اشاره‌ای به سال تولد و سن حضرت حمزه نمی‌کند و این موضوع را بدون دلیلی خاصی مغفول گذاشته است. نجم حیدر نیز بدون اشاره به سن حضرت حمزه، و بدون ذکر سندی، صرفاً می‌نویسد که ایشان ۳ سال از پیامبر (ص) بزرگتر بوده است. به نظر می‌رسد که نجم حیدر نیز بدون توجه به روش پژوهش‌های مستند تاریخی، میانگین اختلاف سنی ۲ تا ۴ سال بین پیامبر (ص) و حضرت حمزه را محاسبه کرده است.

د) قصه حمزه

«قصه حمزه» یا «حمزه نامه»، یکی از حماسه‌های عامیانه است که به شرح احوال امیر حمزه و جنگ‌های او می‌پردازد. همان‌گونه که مریدیت اُونز نویسنده مقاله حمزه بن عبدالمطلب در ویرایش دوم دایره المعارف اسلام نوشته است، این حماسه ابتدا در زبان فارسی و سپس روایت‌های دیگری از آن به زبان‌های عربی و بنگالی و تامیلی نیز تحریر شده است. برخی معتقدند که اصل این قصه به فارسی و مربوط به حمزه بن عبدالله (متوفای ۲۱۳ق) معرف به حمزه آذرک، از سران خوارج در سیستان و خراسان است.^۱ اگرچه مریدیت اُونز این قصه را ذیل مدخل حمزه بن عبدالمطلب قرار داده اما خود نیز به طور ضمنی این قصه را با شخصیت حمزه آذرک منطبق می‌داند. در حالی که امیدسالار^۲، نویسنده مقاله «حمزه نامه» در *دانشنامه جهان اسلام* براساس بررسی روایت فارسی این حماسه معتقد است که با توجه به برخی از شخصیت‌های این حماسه مانند انوشیروان و بزرگمهر و هم‌زمانی دوره زندگانی حمزه بن عبدالمطلب با اواخر دوره ساسانی، شخصیت اصلی این حماسه با حضرت حمزه سازگار است.

به هر رو در باره شخصیت اصلی حماسه حمزه نامه اختلاف نیز وجود دارد. پیداست که به سبب مقبولیت و رواج شفاهی و عامیانه این حماسه در فرهنگ‌های گوناگون، حمزه این داستان پاره‌ای از داستان‌ها و روایات حمزه بن عبدالمطلب را داراست و هرکدام از اقوام و ملل نیز ماجراهای محلی و گاهی تخیلی خود را به آن افزوده‌اند. با این همه مسئله و مشکل اصلی مقاله مریدیت اُونز این است که او بیش از ۸۰ درصد از حجم مقاله‌ای که ذیل نام

۱. صفاء، نثر فارسی از آغاز تا عهد نظام الملک طوسی، ص ۱۳-۱۴.

۲. امیدسالار، «حمزه نامه»، ج ۱۴، ص ۱۸۷.

حمزه بن عبدالمطلب نوشته را به «حمزه نامه» اختصاص داده است. در حالکی خود او نیز به اختلاف روایت‌ها و اختلاف نظرها درباره شخصیت اصلی این حماسه توجه داشته است. جالب‌تر اینکه مریدیت اُونز این بخش مقاله را بدون زدن شماره و حتی عنوان فرعی ذیل مدخل حمزه بن عبدالمطلب نوشته است. بدون تردید چنین ساختاری در مقالات علمی به ویژه مقالات دایره المعارفی مرسوم نیست چنانکه دو نویسنده دیگر یعنی هنری لامنس و نجم حیدر حتی اشاره ای به این حماسه عامیانه نکرده اند.

نقد روش و رویکرد مداخل سه‌گانه حمزه بن عبدالمطلب در دایره المعارف اسلام

مقاله حمزه بن عبدالمطلب در ویرایش اول و دوم چه از نظر منابع که بیشتر توضیح داده شد و چه از نظر روش و رویکرد بسیار شبیه به هم نوشته شده است. چندانکه به نظر می‌رسد مریدیت اُونز در ویرایش دوم دایره المعارف اسلام با اعتماد به مقاله هنری لامنس در ویرایش اول بسیاری از موضوعات اختلافی مربوط به زندگی حضرت حمزه مانند سال تولد، سن، سال اسلام آوردن و چگونگی اسلام آوردن ایشان را مغفول گذاشته است. دو مقاله اول به قلم دو خاورشناسی و از نگاه غربی‌ها نوشته شده است اما مقاله سوم با همه نواقصی که دارد به قلم یک مسلمان و با نگاه همدلانه به زندگی حضرت حمزه پرداخته است. برخی از اشکالات محتوای این سه مقاله در بخش قبل به صورت موردی مورد بررسی قرار گرفته است با این همه در این بخش به چند مورد از اشکالات روشی مقالات سه‌گانه دایره المعارف اسلام پرداخته می‌شود.

الف) نگاه مغرضانه

بیشتر غربیان در پرداختن به موضوعات تاریخی به ویژه در دوره زمانی صدر اسلام به صورت مغرضانه و پیش‌داورانه دست به نگارش می‌زنند. برای نمونه هنری لامنس و مریدیت اُونز در دو مقاله اول بدون توجه به جایگاه و نقش حضرت حمزه در نخستین روزهای دعوت پیامبر (ص) و حضور پررنگ ایشان در ماجرای یوم الانذار و مقابله جدی ایشان سران مشرکان مانند ابولهب و ابوجهل، می‌نویسند که «حمزه بسان دیگر هاشمی‌ها نگرش خصمانه‌ای به عقاید جدید [اسلام] داشت» و یا اینکه می‌نویسند: «حمزه به‌رغم مخالفت با دین اسلام...»؛ این درحالی است که برای این اظهار نظر مغرضانه خود نه تنها

شاهد و سندی از منابع تاریخی ذکر نمی‌کنند بلکه حتی به خود زحمت یک استدلال ساختگی را هم نمیدهند و چنان با قاطعیت این جملات را به عنوان مقدمه بحث خود ذکر می‌کنند که انگار از مشهورات و متواترات تاریخ است.

هنری لامنس در جایی از مقاله خود به روایت ضعیف مستی حضرت حمزه در مدینه اشاره می‌کند و به نوعی تلاش می‌کند تا شخصیت آن حضرت را تخریب کند. این درحالی است که اولاً این روایت چندان معتبر نیست و در ثانی در صورت درستی، در منابع اشاره شده است که این عمل حضرت حمزه پیش از تحریم شرب خمر انجام شده است.^۱ به عبارت دیگر در صورت وقوع شرب خمر، خللی بر ایمان و عقیده حضرت حمزه وارد نیست.

ب) عدم رعایت توالی تاریخی

بدون تردید یکی از ملزومات پژوهش‌های تاریخی، رعایت توالی رخدادهای تاریخی است. با این همه مریدیت اُونز در ویرایش دوم مقاله حمزه بن عبدالمطلب بدون رعایت توالی تاریخی حضور حضرت حمزه در غزوه بنی قینقاع را پیش از سربیه حمزه بن عبدالمطلب به منطقه «العیص» می‌آورد. این درحالی است که این سربیه در ماه هفتم بعثت و غزوه بنی قینقاع در سال دوم هجرت به وقوع پیوسته بود.

ج) عدم توجه به روش پژوهش علمی

همانگونه که پیشتر نوشته شد هر سه ویرایش مقاله حمزه بن عبدالمطلب در دایره المعارف اسلام بدون هیچ‌گونه ارجاعی نوشته شده و مشخص نیست که مؤلفان چه مطلبی از چه کتابی نقل یا برداشت کرده‌اند تا مطالب مقالات از این نظر قابل نقد و بررسی باشد. گویا آنها به نقل مشهورات مورد نظر خود پرداخته و شاید برای خالی نبودن عریضه در پایان مقاله نیز به ذکر چند منبع بسنده کرده‌اند. در روش پژوهش علمی، منابع پایانی مقاله بایستی متناظر به موارد ارجاعی در متن باشد، وگرنه فایده علمی نخواهد داشت و به تعبیر درست‌تر، شیوه ارجاع‌دهی و منبع‌نویسی چنین مقالاتی قابل راستی‌آزمایی نخواهد بود، چون مشخص نیست دقیقاً چه مطلبی و در چه صفحه یا جلدی از کتاب مورد استفاده قرار گرفته که نامش

^۱. نک. مجتهدی، «حمزه بن عبدالمطلب»، ج ۱۴، ص ۵۱۸.

در منابع پایانی آمده است. به نظر می‌رسد مؤلفان سه‌گانه این مقالات، بدون توجه به فواید روش علمی از این حربه استفاده کرده‌اند تا بتوانند نظرات غیر مستند و مستدل خود را در ذیل مقالات بیاورند.

افزون بر انتقاداتی که بر شیوه ارجادهی هر سه مقاله وارد است؛ محتوا و حجم مقالات سه‌گانه به ویژه دو مقاله اخیر نیز متناسب نیستند. بیش از ۸۰ درصد مقاله دوم به حماسه تخیلی و انتزاعی «قصه حمزه» اختصاص یافته است و حدود نیمی از مقاله سوم نیز به ماجراهای مربوط به شهادت حضرت حمزه و به ویژه تدفین و عزاداری بعد از آن اختصاص یافته است. اگرچه مقاله سوم به نسبت دو مقاله اول همدلانه و با نگاهی به منابع و آراء شیعی نوشته شده، با این همه با توجه به حجم کوتاه مقالات دایره المعارفی، مؤلف بایستی با دسته‌بندی و اولویت‌بندی دقیق به مهمترین اطلاعات مربوط به هر مدخل توجه کند. امری که به ویژه در مقاله دوم و سوم رعایت نشده است.

نتیجه

دایره‌المعارف/اسلام چاپ لیدن، تنها دایره‌المعارف کامل و مهمترین دایره‌المعارف تخصصی درباره اسلام است که بسیاری از موضوعات تاریخی، جغرافیایی، فقهی، کلامی، اعلام و مانند اینها را دربر می‌گیرد. این مجموعه از مهمترین مراجعی است که علاقمندان و پژوهشگران اسلامی و شرق شناسی به آن مراجعه می‌کنند. این دایره‌المعارف بیش از یک سده است که در دست نگارش است و در حال حاضر نیز ویرایش سوم آن در حال تولید و نشر است. از این رو نقد و بررسی مدخلهای آن در ویرایشهای سه‌گانه ضمن نقد آثار خاورشناسان، از نظر محتوا و روش نیز برای دانش‌پژوهان و علاقمندان به اسلام‌پژوهی مفید خواهد بود. در این مقاله با نقد و بررسی مقالات سه‌گانه حمزه بن عبدالمطلب در ویرایشهای سه‌گانه دایره‌المعارف/اسلام، روشن شد که این مقالات جدای از کاستی و کمبود محتوایی از نظر روشی نیز ضعفهای جدی دارند. هر سه مقاله از نظر منبع شناسی و نظام ارجاعی دهی دارای اشکال جدی هستند و از نظر روش علمی قابل راستی آزمایی نیستند چه مؤلفان هر سه اثر در متن مقاله به منابع مورد استفاده خود ارجاع نداده‌اند. همچنین این مقالات رویکردی مغرضانه و پیشداورانه داشته و بدون توجه به میراث اسلامی و به ویژه شیعی، دآوری‌های نسنجیده و مغرضانه‌ای درباره حضرت حمزه و بنی هاشم انجام داده‌اند و به این ترتیب بر روی سیر اسلام‌پژوهی در غرب تأثیر منفی گذارده‌اند. از نظر ارتباط محتوا با حجم نیز این مقالات متناسب نیستند و به جای پرداختن به مهمترین محورهای شخصیت فردی و معنوی حضرت حمزه به حواشی نه چندان مرتبط با این شخصیت توجه کرده‌اند.

منابع

۱. آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹ ش.
۲. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت ۱۳۸۵-۱۳۸۶ ق/ ۱۹۶۵-۱۹۶۶ م.
۳. ابن اسحاق، کتاب السیر و المغازی، چاپ سهیل زکار، بی جا، دارالفکر، ۱۳۹۸/۱۹۷۸، چاپ افست قم ۱۳۶۸ ش.
۴. ابن سعد، الطبقات الکبری، چاپ احسان عباس، بیروت، للطباعة و النشر، ۱۴۰۵ هـ/ ۱۹۸۵ م.
۵. ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، چاپ علی محمد بجاوی، بیروت ۱۴۱۲/ ۱۹۹۲.
۶. ابن هشام، السیره النبویه، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ایاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دار ابن کثیر، بی تا.
۷. امیدسالار، محمود، «حمزه نامه»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، ۱۳۸۹ ش.
۸. بدوی، عبدالرحمان، فرهنگ کامل خاورشناسان، ترجمه شکرالله خاگرد، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۵ ش.
۹. بلاذری، احمد، انساب الاشراف، به کوشش سهیل دکار و ریاض زرکلی، بیروت ۱۴۱۷ ق/ ۱۹۹۶ م.
۱۰. تصویر امامان شیعه در دائره المعارف اسلام (نقد و ترجمه)، زیر نظر محمود تقی زاده داوری، قم، انتشارات شیعه شناسی، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. حائری، مهدی، «حمزه بن عبدالمطلب»، دایره المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی و همکاران، نشر شهید سعید محبی، تهران، ۱۳۷۷ ش.

۱۲. زرگری نژاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران، سمت، ۱۳۹۰ ش.
۱۳. صفا، ذبیح الله، نثر فارسی از آغاز تا عهد نظام الملک طوسی، تهران، ۱۳۴۷ ش.
۱۴. صفری، مهدی، «دایره المعارف اسلام»، دانشنامه و دانشنامه نگاری؛ تاریخچه، روش‌ها، نمونه‌ها، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، کتاب مرجع، تهران: ۱۳۹۹ ش.
۱۵. زندگی، عاطفه، «حمزه»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ناشر مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۹۲ ش.
۱۶. طبری، محمدبن جریر، تاریخ الطبری، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت [۱۳۸۲-۱۳۸۷/۱۹۶۲-۱۹۶۷].
۱۷. فیض بخش، محسن، «نجم حیدر: درآمدی بر اسلام شیعی»، فصلنامه نقد کتاب ایران و اسلام، سال اول، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.
۱۸. عدالت نژاد، سعید، «نجم حیدر: خاستگاه‌های شیعه: هویت، مناسک و مکانهای مقدس در کوفه قرن دوم/هشتم»، فصلنامه نقد کتاب ایران و اسلام، سال اول، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۱۹. مجتهدی، مهدی، «حمزه بن عبدالمطلب»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، ۱۳۸۹ ش.
۲۰. واقدی، محمدبن عمر، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن، ۱۹۶۶.

1. Lammens, L. (1987), "Hamza", *First Encyclopaedia of Islam*, edited by M. Th. Houtsma, et al, Leiden: Brill.

2. Meredith-Owens, G. m. (1986), "Hamza B. Abd al-Muttalib", *The Encyclopaedia of Islam*, edited by H. A. R. Gibb, et al, new ed. Leiden: Brill.

۱۳۰ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال نهم، شماره ۱۹، پاییز ۱۴۰۰

3. Haider, Najam I. (2017), "Hamza B. Abd al-Muttalib", *The Encyclopaedia of Islam, Three* Edited by Kate Fleet, et el, (https://referenceworks.brillonline.com/entries/encyclopaedia-of-islam-3/*-COM_22171).